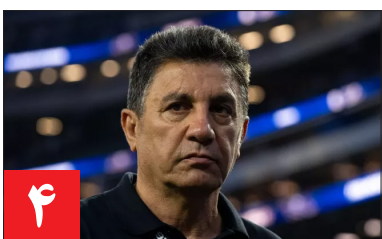




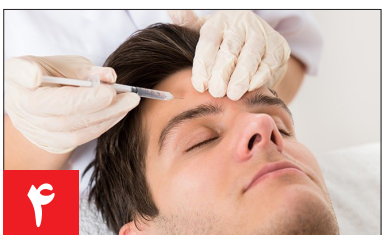
شمارش معکوس برای وزیر؛ استیضاح در دستور کار



کف افزایش کالابرگ
۳۰۰ هزار تومان است



مازراتی برای نجات خود
دست به دامن چینی‌ها شد!



از زیبایی
تافروپاشی هویت



عکس: مرز اقتصاد

افت طلا زیر سایه دلار قوی؛ فشار
فروش تا پایان سال ادامه دارد

قیمت جهانی طلا در معاملات روز جمعه بیش
از ۱ درصد کاهش یافت؛ رشد بازده اوراق خزانه
آمریکا و تقویت دلار عامل اصلی این افت بود...

صفحه ۲

رکورد ۶۰ میلیارد دلاری تجارت
با بریکس

معاون خدمات تجاری سازمان توسعه
تجارت ایران حجم مبادلات ایران با گروه
بریکس را ۶۰ میلیارد دلار در سال اعلام...

صفحه ۳

بازتاب جهانی توثیق قالیباف؛ غلبه
دیپلماسی ایران بر وال استریت

توثیق تحلیلی رئیس مجلس شورای اسلامی
پیرامون بی‌اثری تصمیمات فدرال رزرو آمریکا
در مهار تورم، موجی از واکنش‌های گسترده...

صفحه ۲

اقتصاد با بخش خصوصی نفس می‌کشد؛ تداوم بی‌وقفه در تأمین کالا

کریم حسن پور - فعالان اقتصادی با اشاره به نقش بخش خصوصی در حفظ تولید، اشتغال و تأمین کالا در شرایط جنگی، خواستار افزایش میدان عمل این بخش و اصلاح سیاست‌های اقتصادی متناسب با شرایط جدید شدند.

عمل به علم اقتصاد تنها راه نجات است و حرکت در مسیر باورهای غلط و غیرکارشناسی، اقتصاد را به بیراهه خواهد برداز. همین منظر، تقویت بخش خصوصی تنها به معنای واگذاری بخشی از فعالیت‌های اقتصادی نیست؛ بلکه به معنای تغییر نوع رابطه دولت با فعالان اقتصادی است. دولت می‌تواند نقش سیاست‌گذار و ناظر را ایفا کند، اما در عین حال باید فضایی ایجاد شود که بخش خصوصی بتواند بدون گرفتار شدن در پیچیدگی‌های زائد، سرمایه‌گذاری کند، تولید داشته باشد، تجارت کند و برای تغییرات اقتصادی تصمیم بگیرد. در شرایط فعلی اقتصاد ایران، این مسئله اهمیت مضاعفی پیدا کرده است. نمی‌توان از بخش خصوصی انتظار داشت در دوره‌های بحران نقش ضربه‌گیر اقتصاد را ایفا کند، اما در دوره تصمیم‌گیری همچنان با همان موانعی مواجه باشد که سرعت و قدرت عمل آن را کاهش می‌دهد. ایران به مجاهدان میدان، مردان فکور دیپلماسی، مردم خستگی‌ناپذیر و تلاشگران اقتصاد، یعنی «کف کارخانه»، نیاز دارد. ایران را می‌توان ساخت و باید زندگی آبرومند و شاد را به مردم این کشور هدیه کرد، راحل، حفظ وحدت و انسجام ملی در کنار عمل به توصیه‌های کارشناسی و خردمندانه است.

مسئولیت فعالان اقتصادی برای آگاسازی جامعه و مدیران کشور ت و بیان خطرات و نارسایی‌ها در کنار توجه به منافع و مصالح کشور می‌تواند چراغ راه برنامهریزی اقتصادی دولت باشد.

بخش خصوصی؛ شریک واقعی اقتصاد

به این ترتیب، مسئله امروز بخش خصوصی فقط «حضور بیشتر» نیست؛ بلکه فراهم کردن شرایطی است که این حضور بتواند به رشد، اشتغال، تولید و افزایش تاب‌آوری اقتصادی منجر شود. اگر قرار است این بخش سهم بیشتری از اقتصاد را به دوش بکشد، افزایش میدان عمل آن نیز باید بخشی از سیاست اقتصادی کشور باشد. اهمیت نقش فعالان اقتصادی به تجربه بازسازی ژاپن پس از جنگ اشاره دارد. باید اشاره کرد که خاطرات مؤسس شرکت پاناسونیک آمده است که سه روز پس از حمله هسته‌ای به ژاپن، مدیران شرکت را گرد هم آورد و به آنها گفت ژاپن به شما نیاز دارد و اکنون زمان بازسازی کشور است و باید چند برابر گذشته کار کرد.

اجرا با موانع اداری، تصمیمات متغیر و محدودیت‌های مختلف روبه‌رو شود. بخش مهمی از مسئله در فاصله میان سیاست و اجرا می‌داند. وقتی تلاش می‌شود سهم بیشتری از کیک اقتصاد میان بخش خصوصی و دولت عملیاتی شود، موانع خود را نشان می‌دهند و فعالان اقتصادی بابت این عدم پیاده‌سازی گلایه دارند. تجربه‌ها سخت‌تر شده و مشکلات داخلی گذشته نیز همچنان پابرجاست. در حالی که اقتصاد ایران حتی پیش از آغاز جنگ نیز برای دستیابی به رشد اقتصادی به سرمایه‌گذاری نیاز داشت. اکنون شرایط دشوارتر شده و تعداد قابل توجهی از صنایع نیز در جریان حملات با آسیب‌های فیزیکی و خسارت‌های مالی مواجه شده‌اند.

وضعیت متناقض تولید و فروش در برخی بنگاه‌ها و از یک سو امکان تولید وجود دارد و موجودی کالا در انبارها افزایش یافته و از سوی دیگر، کاهش قدرت خرید مردم و رشد شدید قیمت‌ها باعث شده فروش بسیاری از کالاها به‌شدت کاهش پیدا کند. مشکلات ساختاری اقتصاد ایران همچنان پابرجاست و کوچک‌سازی و چابک‌سازی دولت، اصلاح نظام بانکی، نظام مالیاتی، تأمین اجتماعی و گمرکی هنوز به نتیجه نرسیده است؛ وضعیتی که در نهایت سرعت رشد اقتصاد ایران را کاهش داده و حتی منفی کرده است. مسئولیت‌های ساختاری اقتصاد ایران همچنان پابرجاست و کوچک‌سازی و چابک‌سازی دولت، اصلاح نظام بانکی، نظام مالیاتی، تأمین اجتماعی و گمرکی هنوز به نتیجه نرسیده است؛ وضعیتی که در نهایت سرعت رشد اقتصاد ایران را کاهش داده و حتی منفی کرده است.

اقتصاد جنگی، سیاست‌گذاری متفاوت می‌خواهد

شرایط کنونی کشور فراتر از اظهار نظرهای معمول درباره اقتصاد است. ایران در شرایط جنگی قرار دارد و می‌توان دست‌کم برخی اصلاحات مقذور را اجرایی کرد یا شرایط عمومی اقتصاد ملی را با اقتضائات دوران جنگ هماهنگ ساخت. نمی‌توان اقتصاد کشور را در دوران جنگ با همان قوانین و مقررات دوران صلح و به همان شیوه اداره کرد. شرایط جدید، تصمیم‌های متناسب با خود را می‌طلبد. کمترین انتظار فعالان اقتصادی از سیاستمداران درک موقعیت کنونی و اتخاذ رفتارهای منطقی و به دور از تندروی و سیاست‌زدگی است و



هرچقدر سهم بخش خصوصی در اقتصاد در مقایسه با دولت بیشتر شود، در شرایطی که کشور درگیر محدودیت‌ها، مشکلات و تحریم‌هاست، دولت نمی‌تواند به تنهایی کارآمدی لازم را داشته باشد. عملکرد بخش خصوصی در ماه‌های گذشته را بخشی از مقاومت و تاب‌آوری کشور است. بخش خصوصی در این دوره با وجود فشارها اجازه نداد حتی یک روز تأمین کالاهای اساسی کشور با اختلال مواجه شود.

بخش خصوصی؛ موتور اقتصاد در روزهای سخت
بخش خصوصی به دلیل چابکی در تصمیم‌گیری و اینکه می‌تواند در شرایط سخت، فرآیندها و بروکراسی‌هایی را که معمولاً در بخش‌های دولتی با تأمل طی می‌شود، سریع‌تر طی کند، طبیعتاً می‌تواند در حل مسائل بسیار کمک‌کننده باشد. هرچقدر سهم بخش خصوصی در اقتصاد در مقایسه با دولت بیشتر شود، در شرایطی که کشور درگیر محدودیت‌ها، مشکلات و تحریم‌هاست، دولت نمی‌تواند به تنهایی کارآمدی لازم را داشته باشد. عملکرد بخش خصوصی در ماه‌های گذشته را بخشی از مقاومت و تاب‌آوری کشور است. بخش خصوصی در این دوره با وجود فشارها اجازه نداد حتی یک روز تأمین کالاهای اساسی کشور با اختلال مواجه شود؛ موضوعی که به اعتقاد او باید به‌عنوان یک رفتار ملی و مسئولانه مورد تقدیر قرار گیرد.

این کارآفرینان بخش خصوصی هستند که می‌توانند گره از کار مردم باز کنند؛ کالاهای مورد نیاز را وارد کنند، از طریق صادرات ارزآوری داشته باشند یا با تولید نیازهای کشور، سطح اشتغال را حفظ کنند. تاب‌آوری جامعه را افزایش دهند و نیازهای مردم را تأمین کنند. تجربه ماه‌های گذشته نیز نشان داده حفظ فعالیت بنگاه‌ها در شرایط بحرانی، خود به یکی از مهم‌ترین مصادیق تاب‌آوری اقتصادی تبدیل شده است. نجفی‌عرب در همین زمینه گفت بسیاری از بنگاه‌ها در دوران جنگ و پس‌اجنگ تلاش کردند از تعدیل نیروی انسانی جلوگیری کنند. اگرچه تعدیل نیرو در برخی بنگاه‌ها اتفاق افتاد، اما گستردگی آن به اندازه‌ای نبود که اقتصاد ایران را تحت تأثیر جدی قرار دهد. او حفظ کسب‌وکارهای خصوصی و تداوم فعالیت بنگاه‌ها در چنین شرایطی را مقاومتی قابل تقدیر دانست.

اقتصاد ایران زیر فشار جنگ و مشکلات ساختاری
در مقابل این نقش‌آفرینی، بخش خصوصی همچنان با مشکلات متعددی در فضای کسب‌وکار مواجه است. مسئله زمانی پیچیده‌تر می‌شود که افزایش سهم بخش خصوصی در اقتصاد صرفاً در حد یک هدف کلی باقی بماند و در مرحله

بخش خصوصی در اقتصاد ایران سال‌هاست در موقعیتی دوگانه قرار دارد؛ از یک سو در سیاست‌گذاری‌ها از آن به‌عنوان موتور رشد، اشتغال و افزایش تاب‌آوری اقتصاد یاد می‌شود و از سوی دیگر، فعالان این بخش همچنان با موانعی مواجه‌اند که امکان استفاده کامل از ظرفیت‌های آنها را محدود می‌کند. این تناقض در شرایطی اهمیت بیشتری پیدا کرده که اقتصاد کشور با تحریم، محدودیت منابع و دشواری‌های متعدد در مسیر تولید و تجارت روبه‌روست. در چنین شرایطی، انتظار از بخش خصوصی فقط تولید کالا یا ارائه خدمات نیست. از این بخش خواسته می‌شود در زمان بحران فعالیت خود را حفظ کند، اشتغال را نگه دارد، نیازهای بازار را تأمین کند، صادرات داشته باشد و برای کشور ارزآوری کند. در مقابل، فعالان اقتصادی معتقدند اگر قرار است بخش خصوصی بار بیشتری از اقتصاد را بر دوش بکشد، باید از اختیار و فضای بیشتری برای تصمیم‌گیری و فعالیت نیز برخوردار باشد.

بخش خصوصی؛ موتور اقتصاد در روزهای سخت
بخش خصوصی به دلیل چابکی در تصمیم‌گیری و اینکه می‌تواند در شرایط سخت، فرآیندها و بروکراسی‌هایی را که معمولاً در بخش‌های دولتی با تأمل طی می‌شود، سریع‌تر طی کند، طبیعتاً می‌تواند در حل مسائل بسیار کمک‌کننده باشد. هرچقدر سهم بخش خصوصی در اقتصاد در مقایسه با دولت بیشتر شود، در شرایطی که کشور درگیر محدودیت‌ها، مشکلات و تحریم‌هاست، دولت نمی‌تواند به تنهایی کارآمدی لازم را داشته باشد. عملکرد بخش خصوصی در ماه‌های گذشته را بخشی از مقاومت و تاب‌آوری کشور است. بخش خصوصی در این دوره با وجود فشارها اجازه نداد حتی یک روز تأمین کالاهای اساسی کشور با اختلال مواجه شود؛ موضوعی که به اعتقاد او باید به‌عنوان یک رفتار ملی و مسئولانه مورد تقدیر قرار گیرد.

کارآفرینان؛ حلقه اتصال تولید و اشتغال
این کارآفرینان بخش خصوصی هستند که می‌توانند گره از کار مردم باز کنند؛ کالاهای مورد نیاز را وارد کنند، از طریق صادرات ارزآوری داشته باشند یا با تولید نیازهای کشور، سطح اشتغال را حفظ کنند. تاب‌آوری جامعه را افزایش دهند و نیازهای مردم را تأمین کنند. تجربه ماه‌های گذشته نیز نشان داده حفظ فعالیت بنگاه‌ها در شرایط بحرانی، خود به یکی از مهم‌ترین مصادیق تاب‌آوری اقتصادی تبدیل شده است. نجفی‌عرب در همین زمینه گفت بسیاری از بنگاه‌ها در دوران جنگ و پس‌اجنگ تلاش کردند از تعدیل نیروی انسانی جلوگیری کنند. اگرچه تعدیل نیرو در برخی بنگاه‌ها اتفاق افتاد، اما گستردگی آن به اندازه‌ای نبود که اقتصاد ایران را تحت تأثیر جدی قرار دهد. او حفظ کسب‌وکارهای خصوصی و تداوم فعالیت بنگاه‌ها در چنین شرایطی را مقاومتی قابل تقدیر دانست.

اقتصاد ایران زیر فشار جنگ و مشکلات ساختاری
در مقابل این نقش‌آفرینی، بخش خصوصی همچنان با مشکلات متعددی در فضای کسب‌وکار مواجه است. مسئله زمانی پیچیده‌تر می‌شود که افزایش سهم بخش خصوصی در اقتصاد صرفاً در حد یک هدف کلی باقی بماند و در مرحله



صعود بورس؛ رونق پایدار یا مقدمه یک اصلاح بزرگ؟

مرئضی قدیمی
کارشناس

شاخص بورس تهران از مسیر صعودی را طی کرده، اما هم‌زمانی این رشد با افزایش نرخ ارز و بالا رفتن ریسک‌های سیاسی، تردید درباره ادامه‌دار بودن آن را افزایش داده است. سرنوشت این روند برای میلیون‌ها سهامدار خرد که سرمایه خود را وارد بازار کرده‌اند اهمیت مستقیم دارد. بورس تهران پس از بازگشایی، وارد یک دوره رشد شده است. این صعود اما به‌تنهایی رخ نداده؛ در همین بازه، نرخ ارز نیز جهش قابل توجهی را تجربه کرده و نگرانی‌های سیاسی نیز افزایش یافته است. پرسش اصلی فعالان بازار این است که آیا شاخص کل ظرفیت رشد بیش‌تر دارد یا در آستانه یک اصلاح نه‌شسته است. هم‌زمانی رشد بورس با رشد دلار تصادفی نیست. بخشی از نقدینگی که از بازار ارز و طلا خارج می‌شود، به‌عنوان پوشش تئوری وارد سهام می‌شود. پوشش تئوری یعنی سرمایه‌گذار دارایی خود را به کالایی تبدیل می‌کند که ارزشش با تورم عمومی همسو حرکت کند؛ سهام شرکت‌های صادرات‌محور به دلیل درآمد ارزی، یکی از این گزینه‌هاست. به‌عبارت ساده، بخشی از پول‌هایی که از نگرانی درباره ارزش ریال به بورس رسیده، همان پولی است که می‌توانست وارد بازار ارز یا سکه شود.

ورود مستمر نقدینگی خرد یکی از موتورهای اصلی این رشد بوده است. بسیاری از سهام‌دارانی که تجربه چندانی در تحلیل بنیادی ندارند، با مشاهده رشد قیمت سهام و بالا رفتن هم‌زمان دلار، ترجیح داده‌اند بخشی از پس‌انداز خود را وارد بورس کنند. این رفتار در کوتاه‌مدت به تداوم صعود کمک می‌کند، اما همان‌طور که تجربه دوره‌های قبلی بازار سرمایه نشان داده، رشدی که عمدتاً از هیجان خرد تغذیه شود، در برابر هر خبر منفی آسیب‌پذیرتر است. افزایش ریسک‌های سیاسی می‌تواند به دو شکل بر بورس اثر بگذارد. در کوتاه‌مدت، نگرانی از تحولات پیش‌رو ممکن است باز هم سرمایه را به‌سمت دارایی‌های با نقدشوندگی بالاتر مانند طلا و ارز هدایت کند و از رشد بورس بکاهد. در مقابل، اگر نرخ ارز روند صعودی خود را حفظ کند، سهام شرکت‌های صادراتی همچنان جذابیت خود را برای سرمایه‌گذاران حفظ خواهد کرد. دامنه‌ها نشان می‌دهد که واکنش بازار به اخبار سیاسی در ماه‌های اخیر سریع‌تر و شدیدتر از گذشته شده است.

تحلیل‌گران بازار سرمایه دو سناریو را محتمل می‌دانند. سناریوی نخست، ادامه رشد تدریجی شاخص با تکیه بر ورود نقدینگی جدید و ثبات نسبی نرخ ارز است. سناریوی دوم، یک اصلاح عمیق در صورت آرام شدن ناآرامی‌های بازار ارز یا کاهش هیجان خریداران خرد است. هیچ‌کدام از این دو مسیر قطعی نیست و به مجموعه‌ای از عوامل اقتصادی و سیاسی در هفته‌های آینده بستگی دارد.

در نهایت، مسیر بورس تهران به رفتار جمعی همان پول‌های خردی گره خورده که در ماه‌های اخیر وارد بازار شده‌اند. تصمیم این سرمایه‌گذاران درباره ماندن یا خروج از بازار، احتمالاً تعیین‌کننده‌تر از هر پیش‌بینی تحلیلی خواهد بود.

تعارف ۴ درصدی خودرو برقی؛ فاصله آمار با واقعیت بازار

وزیر صنعت، معدن و تجارت سقف تعرفه گمرکی واردات خودروهای برقی را ۴ درصد اعلام کرد و آن را دست‌آوردی برای بازار خودرو دانست. اما بررسی قیمت‌های واقعی نشان می‌دهد این کاهش تعرفه هنوز به کاهش محسوس قیمت برای خریداران منجر نشده است.

محمد اتابک، وزیر صنعت، معدن و تجارت، در حاشیه نشست با فعالان اقتصادی در اتاق بازرگانی مشهد از تعیین سقف تعرفه گمرکی ۴ درصدی برای واردات خودروهای برقی خبر داد. او این تصمیم را یکی از دستاوردهای وزارتخانه در مسیر تسهیل بازار خودرو معرفی کرد.

اما آمار و قیمت‌های واقعی بازار، روایت دیگری از اثر این سیاست به دست می‌دهند.

تعرفه گمرکی ۴ درصدی از ارزش خودرو است که واردکننده هنگام ورود کالا به کشور به گمرک پرداخت می‌کند. تعرفه ۴ درصدی برای خودروهای برقی به‌مراتب پایین‌تر از تعرفه خودروهای بنزینی است که در برخی رده‌ها به بیش از ۵۰ درصد می‌رسد. کاهش این نرخ به‌طور نظری باید قیمت تمام‌شده خودروهای برقی را ذاتی را برای مصرف‌کننده پایین بیاورد.

مزایای
جامعه

زودتر با خبر شوید ...

www.mozayedemonaghese.com

واحد پشتیبانی و سایت ۰۲۱-۶۹۱۰۵۴۲۵



افق
اصفهان

برترین اخبار ایران و جهان

www.ofoghemroz.ir



روزنامه مارز اقتصاد

شنبه ۲۸ شهریورماه ۱۴۰۵ • شماره ۹۹۷۷ www.marzeghtesad.ir

♥ زمستان بحرانی اروپا؛ ذخایر گاز کاهش یافت

فایننشال تایمز با اشاره به کاهش ذخایر گاز اروپا و اختلال در عرضه انرژی، هشدار داد این قاره در آستانه زمستان ۲۰۲۶ با حاشیه امنیت پایین‌تری در تأمین گاز مواجه است.

به نقل از فایننشال تایمز، اروپا در آستانه زمستان ۲۰۲۶ با وضعیت شکننده‌ای در بازار انرژی روبه‌رو شده است، چراکه سطح ذخایر گاز این قاره پایین‌تر از سال گذشته قرار دارد و اختلال در جریان انرژی، رقابت برای تأمین گاز طبیعی مایع‌شده (LNG) را افزایش داده است.

بر اساس این گزارش، ذخایر گاز اروپا در حال حاضر حدود ۶۹ درصد ظرفیت مخازن است؛ در حالی که این میزان در مدت مشابه سال گذشته بیش از ۸۰ درصد بود. کاهش سطح ذخایر در شرایطی رخ داده که قیمت گاز در بازار اروپا نیز در ماه‌های اخیر افزایش قابل توجهی داشته است. فایننشال تایمز گزارش داده است که قیمت گاز اروپا در ماه اوت تقریباً دو برابر سطح ثبت‌شده در اوت سال ۲۰۲۵ بوده است، موضوعی که هزینه پر کردن مخازن را برای فعالان بازار افزایش داده و انگیزه برای ذخیره‌سازی بیشتر را کاهش داده است. برآوردهای مورد استناد این روزنامه نشان می‌دهد اروپا در یک زمستان معمولی به حدود ۲۵۰ تا ۲۶۰ میلیارد مترمکعب گاز نیاز دارد. بخشی از این نیاز از تولید داخلی و واردات تأمین می‌شود و ذخایر زیرزمینی نقش مهمی در پوشش تقاضای ماه‌های سرد دارند. در این میان، احتمال وقوع زمستانی سردتر می‌تواند فشار بیشتری بر بازار وارد کند. بر اساس برآوردهای مطرح‌شده در گزارش، یک زمستان سرد می‌تواند حدود ۲۵ میلیارد مترمکعب به تقاضای گاز اروپا اضافه کند؛از سوی دیگر، اروپا برای تأمین LNG مورد نیاز خود با مصرف کنندگان آسیایی رقابت می‌کند. در صورت افزایش تقاضا در آسیا،هم‌زمان با سرمای اروپا، احتمال افزایش رقابت برای محموله‌های LNG و در نتیجه رشد بیشتر قیمت‌ها وجود دارد.فایننشال تایمز همچنین به تأثیر الگوهای آب‌وهوایی از جمله «ل‌نینو» بر زمستان پیش‌رو اشاره کرده است. این پدیده اقلیمی می‌تواند در برخی مناطق موجب تغییر الگوی دما و کاهش یا افزایش تقاضای انرژی شود، اما پیش‌بینی‌های آب‌وهوایی نمی‌تواند به‌طور قطعی کاهش فشار بر بازار گاز را تضمین کند.

بر اساس این گزارش، وضعیت فعلی بازار انرژی اروپا تنها یک مسئله مربوط به تأمین گاز نیست و در صورت افزایش قیمت انرژی، هزینه تولید منابع و هزینه خانوارها نیز تحت تأثیر قرار خواهد گرفت. افزایش هزینه انرژی همچنین می‌تواند فشارهای توری را در اقتصاد اروپا را افزایش دهد.

♥ رقابت خودروسازان چینی با غول‌های جهانی وارد مرحله تازه شد

مدیرعامل هیوندای با اشاره به رشد سریع خودروسازان چینی در اروپا هشدار داد در صورت کاهش موانع تجاری، بازار آمریکا نیز ممکن است با موج ورود خودروهای چینی مواجه شود.

به نقل از رویترز، مدیرعامل هیوندای موتور نسبت به احتمال افزایش حضور خودروسازان چینی در بازار آمریکا هشدار داد و گفت در صورت کاهش موانع تجاری و حفاظتی، بازار این کشور ممکن است شرایط مشابهی با بازار خودرو اروپا پیدا کند.

خوزه مونوز، مدیرعامل هیوندای موتور، با اشاره به روند گسترش خودروسازان چینی در اروپا اظهار کرد خودروهای چینی در برخی بازارهای اروپایی از جمله ایتالیا، اسپانیا و فرانسه حدود ۳۰ تا ۴۰ درصد ارزان‌تر از مدل‌های رقیب هستند.

به گفته وی، خودروسازان چینی در اروپا توانسته‌اند با عرضه محصولات ارزان‌تر، سهم بازار شرکت‌های سنتی از جمله هیوندای و فولکس‌واگن را تحت فشار قرار دهند.

مونوز همچنین به وضعیت بازار خودرو انگلیس اشاره کرد و گفت نبود برخی موانع تجاری باعث شده برندهای چینی حضور پررنگی در این بازار پیدا کنند.

بر اساس داده‌های انجمن خودروسازان اروپا، سهم خودروهای برندهای چینی در بازار اتحادیه اروپا در نیمه نخست سال جاری به بیش از ۹ درصد رسیده است. در انگلیس نیز بر اساس داده‌های انجمن تولیدکنندگان و فروشندگان خودرو، خودروهای برقی ساخت چین حدود ۱۵ درصد از ثبت‌نام خودروهای جدید را به خود اختصاص داده‌اند.

اتحادیه اروپا برای خودروهای برقی ساخت چین تعرفه و محدودیت‌های تجاری اعمال کرده است؛ اقداماتی که مقام‌های اروپایی آن را با حمایت‌های دولتی از تولیدکنندگان چینی مرتبط دانسته‌اند. در آمریکا نیز تعرفه‌های بالای برای خودروهای برقی ساخت چین اعمال می‌شود و در حال حاضر واردات این خودروها عملاً با تعرفه‌ای حدود ۱۰۰ درصد مواجه است.

با این حال، مدیرعامل هیوندای معتقد است در صورت کاهش موانع ورود، خودروسازان چینی می‌توانند فشار بیشتری بر شرکت‌های آمریکایی وارد کنند.وی همچنین از سرعت پیشرفت فناوری صنعت خودرو چین تمجید کرد و گفت سطح نوآوری و پیشرفت فناوری خودروسازان چینی قابل توجه است.

رویتزر همچنین گزارش داده است که هیوندای زمان‌بندی عرضه فناوری کمک‌راننده پیشرفته داخلی خود را به تعویق انداخته است



سقوط بی‌بی؛ هیزمان با شکست ترامپ و آمریکا

مریم لطفی – با نزد یک شدن به چرخه ی حساس انتخابات در ایالات متحده، معادلات قدرت در منطقه با تغییراتی بنیادین روبرو شده است.

شدد در ظاهر، این سیاست می‌تواند بخشی از راهبرد «فشار حداکثری» علیه جمهوری اسلامی ایران تلقی شود؛اما در عمل با یک مشکل اساسی روبه‌روست.ایران برخلاف بسیاری از کشورهایی که آمریکا در گذشته تلاش کرده آنها را منزوی کند، صرفاً یک اقتصاد با بازار منفرد نیست.موقعیت جغرافیایی ایران به گونه‌ای است که حذف آن از شبکه‌های حمل‌ونقل، انرژی و تجارت منطقه‌ای برای بسیاری از همسایگانش هزینه ایجاد می‌کند. به همین دلیل، آنچه واشنگتن می‌خواهد به عنوان «محاصره زمینی ایران» اجرا کند، ممکن است در عمل بیشتر به تلاش برای تحمیل هزینه به کشورهای آسیای مرکزی تبدیل شود تا اقدامی مؤثر برای منزوی کردن تهران.

مسئله اصلی این است که حجم تجارت مستقیم کشورهای آسیای مرکزی با ایران، اگرچه در مقایسه با تجارت آنها با چین، روسیه یا اروپا چندان بزرگ نیست، اما اهمیت ایران برای این کشورها را نمی‌توان با حجم تجارت دوجانبه اندازه‌گیری کرد. ارزش واقعی ایران در نقش آن به عنوان یک مسیر ترانزیتی و دسترسی به آب‌های آزاد نهفته است. پنج جمهوری آسیای مرکزی همگی به نوعی با مشکل جغرافیایی مشترکی مواجه‌اند: محصور بودن در خشکی. آنها برای دسترسی به بازارهای جهانی باید از خاک کشورهای دیگر عبور کنند. روسیه و چین دو مسیر اصلی تاریخی این کشورها بوده‌اند، اما در سال‌های اخیر دولت‌های آسیای مرکزی تلاش کرده‌اند گزینه‌های بیشتری ایجاد کنند تا وابستگی خود را به هر یک از قدرت‌های بزرگ کاهش دهند.

ایران در این میان یکی از معدود مسیرهای طبیعی و عملی برای ایجاد یک محور کریدوری جنوبی است. مسیرهایی که از آسیای مرکزی به ایران و سپس به بنادر خلیج فارس و دریای عمان می‌رسند، به کشورهای این منطقه امکان می‌دهند به بازارهای هند، خاورمیانه و حتی فراتر از آن دسترسی پیدا کنند.

بنابراین، فشار آمریکا برای قطع روابط با ایران تنها به معنای محدود کردن صادرات و واردات نیست؛ بلکه در صورت اجرای کامل، به معنای از بین بردن یکی از گزینه‌های ژئوپلیتیکی کشورهای آسیای مرکزی برای خروج از بن‌بست جغرافیایی آنهاست.

♥ ایران: یک بازار کوچک برای آسیای مرکزی؛ اما یک مسیر بزرگ

این تناقض مهم‌ترین نقطه ضعف سیاست آمریکا است.مجموع تجارت مستقیم پنج کشور آسیای مرکزی با ایران حدود ۱.۹ میلیارد دلار برآورد شده است. این رقم در برابر تجارت این کشورها با چین یا روسیه ناچیز به نظر می‌رسد. بنابراین واشنگتن می‌تواند استدلال کند که کشورهای منطقه می‌توانند به‌راحتی بازار ایران را با بازارهای دیگر جایگزین کنند.

اما این استدلال زمانی که موضوع به ترانزیت می‌رسد، دیگر کارایی ندارد. برای نمونه، در مورد ازبکستان، ارزش تجارت مستقیم با ایران در سال ۲۰۲۵ حدود ۵۷۹ میلیون دلار بوده؛ رقمی که کمتر از یک درصد تجارت خارجی این کشور است. اما اهمیت ایران برای تاشکند در حوزه ترانزیت بسیار بیشتر است. در سال ۲۰۲۵ کالاهایی به ارزش حدود ۳.۹ میلیارد دلار از طریق زیرساخت‌های ایران به ازبکستان منتقل شده؛ رقمی معادل حدود ۹ درصد واردات این کشور. این تفاوت نشان می‌دهد که مسئله اصلی برای تاشکند، خرید و فروش مستقیم با ایران نیست، بلکه دسترسی به ایران ازبکستان برای رسیدن به آب‌های آزاد به مسیرهای متعددی نیاز دارد. مسیر ایران یکی از گزینه‌هایی است که این کشور را به خلیج فارس، دریای عمان، هند و بازارهای خاورمیانه متصل می‌کند. حذف این مسیر باعث نمی‌شود ازبکستان دیگر به دریا نیاز نداشته باشد؛ بلکه تنها گزینه‌های موجود برای تأمین این نیاز را کاهش می‌دهد. به همین دلیل، فشار آمریکا بر تاشکند یا شرکت‌های ازبکستانی ممکن است از نظر مالی قابل مدیریت نباشد، اما تلاش برای حذف کامل مسیر ایران از شبکه ترانزیتی این کشور بسیار دشوارتر خواهد بود.

♥ ترکمنستان؛ انرژی در برابر تحریم

ترکمنستان نمونه مهم دیگری است. روابط تهران و عشق آباد تنها به تجارت کالا محدود نمی‌شود، بلکه همکاری‌های انرژی میان دو کشور اهمیت استراتژیک دارد.

ترکمنستان برای کاهش وابستگی خود به بازار چین، طی سال‌های اخیر به دنبال توسعه

مسیرهای جدید صادرات گاز بوده است. ایران در این راه یکی از معدود مسیرهایی است که می‌تواند به این کشور امکان دهد از زیرساخت‌های موجود برای دسترسی به بازارهای دیگر استفاده کند. در سال ۲۰۲۴، تهران و عشق‌آباد درباره انتقال سالانه حداکثر ۱۰ میلیارد مترمکعب گاز ترکمنستان به عراق از طریق ایران توافق کردند. همچنین در سال ۲۰۲۵ سازوکار انتقال گاز ترکمنستان به ترکیه از طریق خاک ایران فعال شد.

این تحولات از منظر ژئوپلیتیکی اهمیت زیادی دارند. عشق‌آباد تلاش می‌کند وابستگی شدید خود به چین را کاهش دهد و به سمت یک مدل چندمسیره برای صادرات انرژی حرکت کند. بنابراین، حذف ایران از این شبکه دقیقاً برخلاف هدفی است که ترکمنستان دنبال می‌کند.

آمریکا ممکن است تلاش کند این معاملات را از طریق فشار مالی و تحریم‌های ثانویه متوقف کند، اما در اینجا نیز یک پرسش اساسی وجود دارد: آیا ترکمنستان حاضر است یکی از معدود مسیرهای موجود برای تنوع‌بخشی به صادرات انرژی خود را صرفاً به دلیل فشار واشنگتن کنار بگذارد؟

پاسخ به این پرسش به‌ویژه با توجه به سنت سیاست خارجی ترکمنستان پیچیده است. عشق‌آباد معمولاً از تقابل علنی با قدرت‌های بزرگ اجتناب می‌کند، اما همین سیاست بی‌طرفی و عمل‌گرایی می‌تواند به آن اجازه دهد بدون اعلام مخالفت سیاسی با آمریکا، راه‌های محدودی برای ادامه همکاری با ایران پیدا کند.

♥ تاجیکستان؛ سوخت ارزان در برابر دلار آمریکا

تاجیکستان نیز در موقعیت دشواری قرار دارد. تجارت دو کشور در سال ۲۰۲۴ به حدود ۳۷۷.۷ میلیون دلار رسید و در سال ۲۰۲۵ به حدود ۴۲۸ میلیون دلار افزایش یافت. ایران در این مقطع به یکی از پنج شریک تجاری بزرگ تاجیکستان تبدیل شد.

اهمیت روابط دوشنبه و تهران تنها به تجارت کالا محدود نیست. تاجیکستان به دلیل نیازهای

انرژی و سوختی خود، به دنبال منابع و مسیرهای وارداتی ارزان‌تر و مطمئن‌تر است. در ۱۵ اوت ۲۰۲۶، وزیران انرژی و حمل‌ونقل تاجیکستان در تهران درباره خرید فراورده‌های نفتی باقیمت‌های ترجیحی و نفت خام برای پالایشگاه‌های این کشور مذاکره کردند. دلیر جمعه، وزیر انرژی تاجیکستان، افزایش واردات را در زمره اولویت‌های کشور دانست.

بنابراین، واشنگتن در برابر دوشنبه باید با یک معادله ساده اقتصادی مواجه نیست. آمریکا می‌تواند دسترسی تاجیکستان به نظام مالی خود را تهدید کند، اما در مقابل، ایران می‌تواند سوخت ارزان‌تر و مسیر تجاری جنوبی را ارائه دهد.این همان نقطه‌ای است که فشار حداکثری با محدودیت ژئوپلیتیکی مواجه می‌شود: تحریم می‌تواند یک معامله را پرهزینه کند، اما نمی‌تواند نیاز بنیاد جغرافیایی را از بین ببرد

♥ قزاقستان و کریدور شمال – جنوب

قزاقستان نیز اگرچه تجارت مستقیم چندی با ایران ندارد، اما از موقعیت جغرافیایی این کشور بهره می‌برد. حجم تجارت دو کشور در سال ۲۰۲۵ حدود ۴۲۰ میلیون دلار برآورد شده است.

ایران برای قزاقستان، به‌ویژه برای صادرات غلات و توسعه مسیرهای ریلی به سمت خلیج فارس، اهمیت دارد. این کشور در تلاش است دسترسی خود به بازارهای جنوبی را افزایش دهد و کریدور بین‌المللی شمال – جنوب یکی از ابزارهای مهم برای تحقق این هدف است.

بنابراین، حتی اگر آستانه بتواند تجارت مستقیم با ایران را تا حدی کاهش دهد، حذف کامل ایران از شبکه ترانزیتی آن به معنای از دست دادن یک مسیر استراتژیک و قابل اتکا خواهد بود. این موضوع زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که به سطح رقابت پذیری میان مسیرهای مختلف حمل‌ونقل در منطقه توجه کنیم.

♥ مشکل کریدور میانی

آمریکا و اتحادیه اروپا در سال‌های اخیر حمایت قابل توجهی از کریدور میانی یا مسیر ترانس‌کسپین کرده‌اند. این مسیر قرار است چین و آسیای مرکزی را از طریق دریای کاسپین، قفقاز و ترکیه به اروپا متصل کند و به عنوان جایگزینی برای مسیرهای عبوری از روسیه مطرح شده است. اما کریدور میانی با مشکلات ساختاری مواجه است. یکی از این مشکلات کاهش سطح آب دریای کاسپین است که می‌تواند ظرفیت بنادر و حمل‌ونقل دریایی را کاهش دهد. علاوه بر آن، حمل‌ونقل چندوجهی نیازمند جابه‌جایی کالا میان کشتی، قطار و کامیون است که هزینه و زمان بیشتری نسبت به مسیر یکپارچه و سراسر زمینی ایران ایجاد می‌کند.

به همین دلیل، وجود مسیر ایران برای کشورهای آسیای مرکزی مضاعف پیدا می‌کند. ایران نه لزوماً جایگزین کامل کریدور میانی، بلکه مکمل آن است.

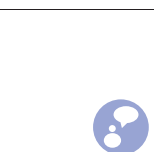
کشورهایی مانند ازبکستان، قزاقستان و ترکمنستان به دنبال آن نیستند که تمام تخم‌مرغ‌های خود را در یک سبد قرار دهند. آنها می‌خواهند روسیه، چین، ایران، قفقاز، ترکیه و مسیرهای دریایی مختلف را هم‌زمان در اختیار داشته باشند. این رویکرد هوشمندانه است که سیاست آمریکا برای قطع ارتباط با ایران با ناکام می‌گذارد.

♥ یک تناقض حقوقی برای آستانه و بیشکک

فشار آمریکا در مورد قزاقستان و قرقیزستان با یک مشکل حقوقی و نهادی دیگر نیز مواجه است. هر دو کشور عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا هستند و در ماه مه ۲۰۲۵ توافق تجارت آزاد میان اتحادیه اقتصادی اوراسیا و ایران اجرایی شد.بنابراین، واشنگتن از دو عضو یک سازمان اقتصادی می‌خواهد تجارت با کشوری را محدود کند که همان سازمان چندی پیش توافق تجارت آزاد با آن امضا کرده است. این مسئله نشان می‌دهد که فشار آمریکا فقط بر روابط ایران و آسیای مرکزی اثر نمی‌گذارد؛ بلکه می‌تواند با ترتیبات اقتصادی موجود میان کشورهای منطقه و روسیه نیز اصطکاک ایجاد کند. در چنین شرایطی، دولت‌های آسیای مرکزی ناچارند میان چند ملاحظه هم‌زمان تعادل برقرار کنند: رابطه با آمریکا، عضویت یا همکاری با نهادهای روس‌محور، رابطه با چین و ایران و در نهایت منافع مستقیم اقتصادی خود.

♥ آیا کشورهای آسیای مرکزی تسلیم می‌شوند؟

به احتمال زیاد، پاسخ پیچیده‌تر از «بله» یا «خیر» خواهد بود. هیچ‌یک از دولت‌های آسیای مرکزی علاقه‌ای به رویارویی مستقیم با دولت ترامپ ندارند. دعوت از رهبران قزاقستان و ازبکستان برای اجلاس گروه ۲۰ در میامی، اهمیت روابط واشنگتن با این دو کشور را نشان می‌دهد. تاجیکستان نیز به سرمایه و کمک‌های خارجی نیاز دارد و ترکمنستان اساساً سیاست محتاطانه‌ای در برابر قدرت‌های خارجی دارد. اما این به معنای آن نیست که این کشورها حاضر خواهند شد تمام مسیرهای ارتباطی خود با ایران را کنار بگذارند. محتمل‌ترین سناریو، تکنیک همکاری مالی از همکاری ترانزیتی است.



در حالی که رژیم صهیونیستی با بحران‌های بی‌سابقه در ساختارهای سیاسی، امنیتی و اجتماعی خود دست‌وپنجه‌ی نرم می‌کند، نتانیا‌هو پار دیگر تلاش می‌کند با بازآفرینی فضای جنگی، افکار عمومی را از واقعیت تلخ شکست‌های داخلی منحرف کند.



مسیر خریداران کمپودها را به سمت جنوب شهر و واحدهای کوچک‌تر هدایت کرده است. کارشناسان بازار مسکن، افزایش نفروش‌ها را نتیجه ترکیبی از چند عامل می‌دانند. رشد پیوسته قیمت مسکن، فاصله میان توان پرداخت نقدی خانوارها و قیمت واقعی معاملات را بیشتر کرده است. از سوی دیگر، طولانی‌شدن دوره پرداخت اقساط، احتمال کمبود نقدینگی خریدار در میانه راه را افزایش می‌دهد.



